

صیادمنش در گفت وگو با «فرهیختگان»: انتقالم به فرباغچه قبل از برکناری شفر کلید خورد

برمی گردم و دینم را به استقلال ادا می کنم

کدام تیم در دنیا می گوید برای تیم سابق بازی نکن ؟!

قراری نبود و اگر در این مدت برای استقلال بازی نکردم، فقط به خاطر مصدومیت بود.

بعد از مصدومیت در بازی با فولاد، در چند مقطع دیگر مصدوم شدی و همین موضوع به شایعات دامن زد.

درست است. مصدومیت قبلی ام در آستانه برطرف شدن بود که دوباره مصدوم شدم و همین حواشی نیز به مسائل دامن زد و این درحالی بود که اگر بی محابا برمی گشتم و می خواستم بازی کنم، به طور یقین آینده فوتبالی ام به خطر می افتاد. فقط این را بداند درحالی این شایعه ها مطرح شد که قراردادام با استقلال به گونه ای بود که اگر من ۳ بازی دیگر برای این تیم به میدان می رفتم، حدود ۲۰۰ میلیون تومان که رقم قابل توجهی بود به قراردادام اضافه می شد. من ۱۷ بازی برای استقلال انجام دادم و طبق قرارداد اگر در ۲۰ بازی برای تیم به میدان می رفتم، این مبلغ را دریافت می کردم که این موضوع بین آپشن های قراردادام وجود داشت.

پستی را در فضای مجازی منتشر کرده و با هواداران استقلال درددل کردی، هرچند از برخی کلاه داشتی.

اگر گلایه ای بود، از دست هوادارها ما بود و منظورم آنها بود، در غیر این صورت تکلیف هواداران استقلال مشخص است و مطمئن باشید تا بد جایگاه هوادار واقعی استقلال که همیشه به من لطف داشته در قلب من باقی می ماند. آنهایی که در هر شرایطی فحاشی می کنند، هوادارنما هستند و مشخص هم نیست استقلال هتند یا پرسپولیس و یا اصلا طرفدار فوتبال باشند! کسی که فوتبال را بفهمد حتما تصمیمی را که گرفته، درک می کند و حتما متوجه می شود که من برای پیشرفت خودم این کار را انجام داده ام.

پس دلخوری از مجموعه استقلال و هواداران واقعی اش نداری؟

خیر. من هرچه دارم از استقلال دارم و هیچ دلخوری ای از طرفداران این تیم ندارم. آنها همیشه به من محبت دارند و در هر کجا که من را می بینند آخرین شرایط را می پرسند و همیشه پیگیر کارهایم هستند.

با این حال، آنها دوست داشتند برای فصل های بعدی می ماندی و به صورت کامل دینت را به استقلال ادا می کردی.

من اگر از استقلال رفتم، مطمئنا این موضوع برای استقلال از لحاظ مالی ابعاد بسیار خوبی داشت، ضمن اینکه به یک تیم بزرگ اروپایی پیوستم که هر بازیکن آسیایی دوست دارد در این تیم بازی کند. من به تیم رقیب با تیم کوچکی نپیوستم بلکه به فرباغچه ای رفتم که از تیم های مطرح و بزرگ به شمار می رود. ابتدای فصلی که سپری شد از تیم های بسیاری پیشنهاد داشتم اما در نهایت استقلال را با میل و علاقه شخصی خود انتخاب کردم و دوست داشتم پیراهن این تیم را بپوشم. با این حال، شرایط مسابقات و مصدومیت به گونه ای پیش رفت که یک ماه من را از میادین دور کرد و واقعا ره رفتن برایم سخت شده بود. وقتی هم به آمادگی صد درصد برای

«فرهیختگان» بررسی کرد؛ عملکرد بازیکنان خارجی لیگ هجدهم؛ شکست ۷۴ درصدی

کی روش بیاورید نه نیوهایر

اسبق سپاهان، گسترش فولاد و... در لیگ برتر خواهیم بود یا خیر.

آنتونی استوکس (ایرلند)

با اینکه حواشی فراوانی داشت، اما هر وقت برای تراکتور به میدان رفت، مشرثمر بود. استوکس اگر چندین هفته راغبیت نمی کرده، بی تردیدی می توانست تا هفته پایانی برای آقای گلی با علیپور، شیمیا و کی روش رقابت کند.

بشار رسن (عراق)

با اینکه در این فصل آن بشار همیشگی نبود، اما ما باهم حضورش برای پرسپولیس یک نعمت بود. بازیکن خوش تکنیک و فانتزی میانه میدان برانکو خصوصا در نیم فصل اول کمک زیادی به تدوام قهرمانی سرخپوشان کرد.

یوکیا سوکیتا (ژاپن)

اولین ژاپنی لیگ برتر بهتر از آن چیزی بود که انتظارش را داشتمش. او به رغم جثه کوچکش یک مهره کارآمد برای فاز هجومی تراکتور بود و به مرور زمان جایگاه ثابتی در ترکیب پیدا کرد و بازیکنی چون پهلوان را به نیمکت منگنه کرد.

فرناندو دی خسوس (برزیل)

یک فصل قابل قبول دیگر برای دروازه بانی که حالا دیگر صاحب کمترین گل خورده در یک فصل نیست. خسوس که در لیگ هجدهم بازویند کاپیتانی ماشین سازی را هم به بازو بست، یکی از معدود خوب های تیمش بود و در چند مسابقه سیزگیابان را از شکست نجات داد.

کریستین اوساگونا (نایجریه)

مهاجم نایجریه ای ذوب آهن که با قد ۱۹۴ سانتی متر تحول قابل توجهی را در خط حمله تیم منصوریان به وجود آورد. او جایگزین ادی هرناندزی شد که تمام هنرش را در دو هفته ابتدایی لیگ خرج کرد.

ولادیمیر کومان (مجارستان)

طراح درگه مجارستانی-اوکراینی سپاهان عصای دست قلعه نویی در میانه میدان بود. او در کنار کی روش بهترین زوج خارجی لیگ هجدهم را تشکیل دادند و از این حیث باید به آنها تبریک گفت.



نوید استادر حیمیی

روزنامه نگار

هجدهمین دوره رقابت های لیگ برتر به اتمام رسید و پرورنده اش با قهرمانی پرسپولیس و سقوط تیم های استقلال خوزستان و سپیدرود رشت بسته شد. در این فصل مشکلات اقتصادی تقریبا گریبانگیر همه باشگاه های لیگ برتری بود و آنها هر کدام به شکلی با این بحران روبه رو شدند و حتی کارشان به اعتصاب و تعطیلی و درگیری هم کشیده شد. در این بین یکی از اتفاقات تکراری، چالش های تمام نشدنی باشگاه ها با بازیکنان خارجی شان بود؛ بازیکنانی که اکثرا برای کسب درآمد راهی لیگ برتر ایران شدند و طبیعتا حق و حقوق خود را هم می خواستند، ولی....

استقلالی ها رکورد زدند!

در این فصل ۴۱ بازیکن خارجی به عضویت تیم های حاضر در لیگ هجدهم درآمدند. برخی از آنها حتی امکان بازی را هم پیدا نکردند، اما به هر حال با پیراهن باشگاه مربوطه در تمرینات حاضر شدند و قرارداد بستند، ولی تکلیف شان مشخص نشد (کوبن کنستانت تراکتورسازی و زیه دیاباته از فولاد نمونه ای از این نفرات بودند). تیم های استقلال خوزستان و پارس جنوبی جم تنها تیم هایی بودند که از بازیکنان خارجی در این فصل استفاده نکردند و با مهره های داخلی در میادین حاضر شدند. در سوی مقابل استقلال تهران با ۶ بازیکن خارجی رکورد زد.

دو خارجی با دو باشگاه در لیگ هجدهم

گادوین مشا وهری فورستر دوبازیکنی بودند که در این فصل با دو تیم قرارداد بستند. مشا پیش فصل اول در پرسپولیس بود و در ادامه برای رقیب سنتی آنها به میدان رفت. فورستر هم طی چندبازی برای تراکتور، عملکردش خوب نبود و به ماشین سازی پیوست، اما برای این تیم بازی نکرد و به یکباره غیب شد و چند ماه بعد در لیگ دسته ۲ آمریکا در میادین فوتبالی آفتابی شد.

برزیل مثل همیشه محبوب تر ین

۴۱ بازیکن جذب شده از ۲۲ کشور به ایران آمدند. برزیل با ۹ نماینده مانند همیشه در صدر جدول بود. نزدیک ترین تعقیب کننده به آنها گرجستان بود که چهار بازیکن داشت و در رده بعدی مشترکا سه کشور نایجریه، عراق و اسکاتلند با سه نماینده حضور داشتند. کرواتسی و ژاپن دو کشوری بودند که دو نماینده را در مسابقات داشتند و کشورهای مجارستان، آلمان، مونتهنگرو، ایرلند، نیکاراگوئه، هندوراس، قرقیزستان، آفریقای جنوبی، مالی، سنگال، کامرون، گینه بیسائو، گینه، غنا و ساحل عاج هم تکنماینده ای های لیگ هجدهم بودند.

اروپا در صدر؛ آسیا در قعر

در مجموع قاره اروپا با ۱۳ نماینده بیشترین بازیکن را در لیگ برتر داشت. آفریقای های لیگ برتر ۱۱ نفر بودند.

جوانتان بالوتلی (برزیل)

هرچه به پایان لیگ نزدیک و نزدیک تر شدیم، این بازیکن بیشتر خودش را در دل فوتبالی ها، خصوصا آبادانی ها جا کرد؛ مهاجمی پرسرعت، با قدرت بدنی بالا و توانایی تمام کنندگی قابل قبول که امید اول گلزنی سرخپو به حساب می آمد.

موسی کولیبالی (مالی)

با اینکه نفت در جدول جایگاه مناسبی به دست نیاورد، اما موسی کولیبالی بازم بازی های نکمقصی را به نمایش گذاشت. او انتخاب درستی نداشت، اما توانست محبوب هواداران مسجد سلیمانی شود و در خط دفاع جزء کم اشتباه ترین ها بود.

بد ها

اکثرت قریب به اتفاق خریدهای صورت گرفته کیفیت بالایی نداشتند. در استقلال الحاحی گرو و نیومایر آنقدر ضعیف کار کردند که پافشاری شفر هم برای نگه داشتن آنها جواب نداد. مارکو و وکوویچ در پیکان با اینکه شروع چندان بدی نداشت، اما در ادامه به یک مهره کاملا معمولی برای تیم حسین فرکی تبدیل شد. هری فورستر در تراکتورسازی و ماشین سازی یک شکست خورده تمام عیار بود؛ بازیکنی که خیلی زود خودش از نظرها محو شد و رفت. ادی هرناندز در نیم فصل اول برای ذوب آهن به خدمت گرفته شد تا جای بنسون را پر کند، اما خیلی زود مشخص شد مانند هموطنش کیفیت بالایی ندارد. بازیکنانی مثل لوکائونادزه، رومن چاچوا، ونیسسیوس اولیوپر، عزیز سیدیکوف و... هم اصلا در حد و اندازه ای لیگ برتر ایران نبودند.

بلا تکلیف ها

دسته سوم بازیکنانی بودند که مشخص بود کیفیت بدی ندارند، اما شرایطی باعث شد تا آن طور که باید و شاید نمایش درخوری نداشته باشند. نفراتی هم اصلا فرصت خاصی برای خودنمایی پیدا نکردند. همام طارق و ایسمادر استقلال بازیکنانی بودند که می شد متوجه شد فوتبالیست های قابلی هستند، ولی نتوانستند این قابلیت را به منصف ظهور بگذارند. مار یو بودیمیر در پرسپولیس دیگر بازیکنی بود که ابتدا انتقادات زیادی را متوجه خود می دید، اما در پایان گل قهرمانی تیمش را به ثمر رساند. جای کوینتینگو در ماشین سازی فورواردر خوب به نظر می رسید، اما از لحاظ انضباطی به هیچ وجه مورد تایید نبود و به همین خاطر اخراج شد. رافائل مسی و تاکاهوشی دو بازیکن فولاد که با افشین قطعی به این تیم پیوستند، در برخی بازی ها خودی نشان دادند، اما این نمایش امیدوار کننده ممتد نبود.

تکمله: در لیگ نوزدهم با توجه به نوسانات ارز، با ریزش بازیکنان خارجی مواجه خواهیم شد، اما حضور دلال ها و افراد معلوم الحال در گوشه و کنار باشگاه ها همچنان خطر حضور بازیکنان با کیفیت را در وضعیت هشدار قرار داده است؛ بازیکنانی که با خودشان شکایت و کسر امتیاز می آورند و پول و دلار سوغات می برند. چه خوب می شد اگر امثال کی روش استنلی ها، شیمباها، پاتوسی ها و بشار رسن ها در لیگ برتر به وفور یافت می شد؛ بازیکنانی که لول لیگ برتر را بالا می برند و به تماشایی تر شدنش کمک می کنند.

واقعی اش برگردد. امیدوارم قهرمانی های پیاپی و به خصوص قهرمانی آسیا نیز در آینده برای این تیم به امرغان بیاید.

سرنوشت مثل فرهاد مجیدی شد. از این جهت که مجیدی هم در اوج جوانی و شهرت از استقلال جدا شده و به راپیدوین پیوست.

آقا فرهاد جزء اسطوره های استقلال است و فکر نمی کنم در این تیم کس مثل او یا ناصر خان حجازی محبوب شود و ما اصلا خودمان را در آن سطح نمی بینیم.

رسانه های مشهور ترکیه ای به انتقال از استقلال به فرباغچه پرداخته و ابعاد مختلف این موضوع را برر سسی کرده اند و برخی نیز تیتز زدند «سرمایه گذاری بزرگ؛ اللهیار را ارزان خریده ایم!» فکر نمی کنی می شد روی انتقال با تامل بیشتری تصمیم گیری کرد؟
من از این موضوع گلایه ای ندارم و اتفاقا فکر می کنم به تیم بزرگی پیوسته ام. فرباغچه تیم کوچکی نیست که بخواهم از این انتقال ناراضی باشم. در هر صورت هدف من بعد از ترکیه، رسیدن به لیگ برتر انگلیس است و امیدوارم به زودی این امر برایم محقق شود.

گویا زیر نظر استعدادیاب های آرسنال قرار داری؟

من هم این خبر را شنیدم و امیدوارم در آینده فوتبالی ام اتفاقات خوبی برایم رقم بخورد.

برای این انتقال از بازیکنان ایرانی شاغل در ترکیه مشورت نگرفتی؟

خیر. رابطه چندان ای با آنها ندارم.

به تیم ملی چقدر فکر می کنی؟

صد درصد پیراهن تیم ملی را می خواهم و امیدوارم بتوانم پیراهن تیم ملی بزرگسالان را بالاخره بر تن کنم.